

موقعیت ایران در منطقه پر آشوب خاورمیانه و آسیای مرکزی و وقوع بحران‌های انسانی در مرزهای کشور، در کنار ثبات مثال‌زدنی ایران در دهه‌های اخیر باعث شده است تا در هنگام بروز تنش‌های انسانی در حول کشور تعداد زیادی از مهاجران خارجی به مرزها هجوم آورده و سپس برای بلندمدت در داخل مرزها ساکن شوند.

اولین مهاجرت وسیع از کشورهای همجوار به ایران در اواخر دهه ۵۰ و با حمله شوروی به افغانستان آغاز شد. دولت برآمده از انقلاب اسلامی در ایران ضمن اعتقاد به برادری تاریخی ملت‌های ایران و افغانستان، وظیفه انسانی خود دانست تا این آوارگان جنگی را در کشور پذیرفته و اسکان دهد. تقریباً در همین مقطع زمانی با شروع جنگ تحمیلی رژیم بعثی حاکم در عراق نیز به اخراج جمع فراوان از شهروندان شیعه و کرد با اتهام وابستگی به ایران نمود. فقدان برنامه‌ریزی بلندمدت و راهبردی برای پذیرش مهاجران باعث شد تا کشور هم از لحاظ زیرساخت‌های عمرانی و هم از لحاظ راهبردهای حقوقی و دیپلماتیک در زمینه تعامل وضعیت مهاجران دچار مشکل شود. استمرار بحران افغانستان در دهه ۹۰ میلادی با سیطره طالبان بر این کشور نیز به موج مهاجرت‌ها دامن زده و آمار افغانستانی‌های ساکن کشور را به رقم بیش از یک میلیون و پانصد هزار نفر(و بنا بر برخی آمارها فراتر از این میزان) رسانده است. این تعداد جمعیت مهاجر با سکونت در حاشیه شهرها و مناطق کمتر برخوردار و تدریج وارد تعامل با جامعه مقصد شده و ضمن ازدواج با اتباع ایرانی به تشکیل خانواده و فرزند آوری پرداخته‌اند.

چالش‌های حقوقی لایحه «اعطای تابعیت

به فرزندان مادران ایرانی از ازدواج با اتباع خارجی»

تابعیت اصلی فرد از دو منظر ارائه می‌شود:

– سیستم خون: در این سیستم فرد بر اساس تابعیت پدر یا مادر خود و یا هر دوی آنها کسب تابعیت می‌کند. عمده استدلال هواداران این سیستم آن است که سیستم خون باعث کثرت جمعیت و در نتیجه افزایش قدرت اقتصادی و نظامی کشور خواهد شد.

– سیستم خاک: بر اساس این سیستم افراد بر اساس سرزمین تولد خود تابعیت کسب خواهند کرد. این سیستم در معاهدات جهانی مربوط به کاهش و محو بی‌تابعیتی طرفداران زیادی دارد چراکه براساس آن عملاً هیچ کس بی‌تابعیت نخواهد ماند و هر فرد تابع مکانی است که در آن متولد خواهد شد. از دیگر استدلال‌های هواداران این سیستم نیز آن است که کنترل موثر یک دولت بر شهروندانی خواهد بود که قلمروی خود زیست می‌کنند و عملاً به سختی می‌تواند بر شهروندان خارج از کشور کنترل داشته باشد. شایان ذکر است که سیستم خاک مکمل سیستم خون خواهد بود و انتقال تابعیت از پدر عملاً در همه جای جهان به رسمیت شناخته شده است. همچنین در مواردی خاص فرد می‌تواند با شرایطی دارای تابعیت اکتسابی شود که این تابعیت می‌تواند ناشی از ازدواج شهروندان دیگر کشورها، کسب تابعیت سایر دولت‌ها و خروج از تابعیت اصلی ایجاد شود و تابع قوانین داخلی دولت‌های جهان خواهد بود.

در قانون بودن ایران مبحث تابعیت و تابعان ایران به این شکل تعریف شده است:

ماده ۹۷۶ قانون مدنی

اشخاص ذیل تبعه ایران محسوب می‌شوند:

۱- کلیه ساکنین آن است که استثنای اشخاصی که تبعیت خارجی آنها مسلم باشد. تبعیت خارجی کسانی مسلم است که مدارک تابعیت آنها مورد اعتراض دولت ایران نباشد؛

۲- کسانی که پدر آنها ایرانی است اعم از اینکه در ایران یا درخارجه متولد شده باشند؛

۳- کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنان غیرمعلوم باشند؛

۴- کسانی که در ایران از پدر و ماد خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده به وجود آمده‌اند؛

۵- کسانی که در ایران از پدری که تبعه خارجه است به وجود آمده و باقلاصه پس از رسیدن به ۱۸ سال تمام لاقل یک سال دیگر در ایران اقامت کرده باشند و الاقایل شدن آنها به تابعیت ایران بر طبق مقرراتی خواهد بود که مطابق قانون برای تحصیل تابعیت ایران مقرر است؛

۶- هر زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند؛

۷- هر تبعه خارجی که تابعیت ایران را تحصیل کرده باشد.

قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی ۱۳۸۵
ماده واحده- فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی که در ایران متولد شده یا حداکثر تا یک‌سال پس از تصویب این قانون در ایران متولد می‌شوند می‌توانند بعد از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام تقاضای تابعیت ایرانی نمایند. این افراد در صورت نداشتن سوء پیشینه کیفری یا امنیتی واعلام رد تابعیت غیرایرانی به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند.

وزارت کشور نسبت به احراز ولادت طفل در ایران و صدور پروانه ازدواج موضوع ماده(۱۰۶۰) قانون مدنی اقدام می‌نماید و نیروی انتظامی نیز با اعلام وزارت کشور پروانه اقامت برای پدر خارجی مذکور در این سداه صادر می‌کند. فرزندان موضوع این ماده قبل از تحصیل تابعیت نیز مجاز به اقامت در ایران می‌باشند.

تبصره ۱- چنانچه سن مشمولین این ماده در زمان تصویب بیش از ۱۸ سال تمام باشند باید حداکثر ظرف یک‌سال اقدام به تقاضای تابعیت ایرانی نمایند.

تبصره ۲- از تاریخ تصویب این قانون کسانی که در اثر ازدواج زن ایرانی و مرد خارجی درایران متولد شوند و والدین آنان از ابتدا با رعایت ماده(۱۰۶۰) قانون مدنی به ثبت رسیده باشند، پس از رسیدن به سنن ۱۸ سال تمام و حداکثر ظرف مدت یک‌سال، بدون

را تکمیل و از قانون‌گذاری جدید جلوگیری کرد.

ماده واحده مصوب مجلس که به عوٰی قرار بود تا جایگزین بندهای ۵ و ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی شود، عملاً پیچیدگی‌های جدیدی را به وجود آورده است. این ماده واحده شرط ثبت قانونی ازدواج را به شرایط اخذ تابعیت اضافه کرده است که این‌نفسه امر مذمومی نیست اما با فلسفه اراده مجلس مبنی بر حل مشکل تابعیت کودکان بی‌تابعیت در تضاد است. در حالیکه فرزندان حاصل از ازدواج بین دو تبعه خارجی که یکی از آنان متولد ایران است بدون هیچ تشریفاتی به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند، گذاشتن شرطی مثل عدم سوء پیشینه و… برای فرزندان مادران ایرانی موجه به نظر نمی‌رسد و این امر عدم وجود وحدت رویه در امر تقنین در این موارد را نشان می‌دهد. همانطور که ملاحظه شدد عملاًاز لحاظ وجود قانون در زمینه بحث تابعیت فرزندان مادران ایرانی خلائی وجود ندارد و اگر مشکلاتی هست مربوط به جزئیات قوانین است که باید مورد اصلاح واقع شوند. قانون‌گذاری جدید همانطور که در فقره ماده واحد سال ۱۳۸۵ مشاهده شد تنها گره قانونی موضوع تابعیت را گزرت ز مناسکی را بر طرف نمی‌کند. با این حال دولت و مجلس مجدداً در اردیبهشت ۱۳۹۸ لایحه‌ای را به شرح زیر به تصویب رساندند.

قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی ۱۳۹۸ (لایحه قانونی جدید مصوب مجلس)

ماده واحده- فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی

چالش‌های حقوقی لایحه «اعطای تابعیت

به فرزندان مادران ایرانی از ازدواج با اتباع خارجی»



رعایت شرط سکونت مندرج در ماده (۹۷۹) قانون مدنی به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند.

در مورد دو قانون فوق باید به این نکته توجه داشت که برای یک موضوع حقوقی واحد نباید چند نوع قانون نگارش شود و یک موضوع عملاً تحت حاکمیت چند قانون مختلف واقع شود. در مورد بحث تابعیت اتباع بیگانه در بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی این نکته ذکر شده است که اطفال حاصل از ازدواج بین اتباع خارجی که لاقل یکی از آنها متولد ایران هستند تبعه ایران محسوب می‌گردند. در ادامه اداره حقوقی دادگستری نیز در نظریه‌ای موسع اعلام نموده است که مفهوم

ایسن ماده به فرزندان متولد از ازدواج بین مادران ایرانی و اتباع بیگانه نیز قابل تسری است. حتی در صورت سختگیری حقوقی در لفاظ نیز صرف اصلاح این ماده و درج یک عبارت ساده «فرزندان حاصل از ازدواج با زنان ایرانی نیز تبعه ایران محسوب می‌شوند» می‌توانست به راحتی مشکلات موجود را بر طرف کرده و زمینه را برای اعطای

تابعیت به این افراد فراهم آورد.

تبصره ۱: در صورتی که پدر یا مادر متقاضی در قید حیات نبوده و یا در دسترس نباشند، در صورت تاهام در احراز نسب متقاضی، احراز نسب با دادگاه صالح می‌باشد.

تبصره ۲: افسراد فاقد تابعیتی که خود یا حداقل یکی از والدین‌شان در ایران متولد شده باشند می‌توانند بعد از رسیدن به سنن ۱۸ سال تمام منقسمی تابعیت ایرانی را تقاضا کنند که در صورت نداشتن سوءپیشینه کیفری و نیز نداشتن مشکل امنیتی (به تشخیص وزارت اطلاعات) به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند.

این قانون که در اردیبهشت سال ۹۸ به تصویب مجلس رسیده

است و هنوز در شورای نگهبان تعیین تکلیف نهایی نشده است، علاوهبر مشکل قبلی که باقی ماندن بندهای ماده ۹۷۶ و اضافه شدن یک قانون جدید به آن می‌باشد، مشکلات جدیدی هم ایجاد نموده است که یک نمونه آن الزام به صدور پروانه اقامت برای پدر غیر ایرانی است. الزام به این عمل بدون هیچ قید و شرط قانونی و حتی استعلام قضایی و انتظامی امری بسیار عجیب به نظر می‌رسد. ضمن اینکه تعداد بسیاری از شهروندان خارجی بدون طی تشریفات و به صورت قاچاق وارد کشور شده‌اند که این امر جرم محسوب شده و الزام دولت به صدور پروانه اقامت برای افرادی که مسلم‌ترین قواعد ورود به خاک کشور را نقض نموده‌اند امری بسیار عجیب به نظر می‌رسد. میحت بعدی حذف شرایط پیش از ازدواج با اتباع بیگانه بر اساس

ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی برای اتباع بیگانه است. ازدواج زنان با اتباع بیگانه دارای تشریفات قانونی است که تخلفی از آن جرم تلقی می‌شود، این امر زمانی نگران‌کننده‌تر می‌شود که طریبه سیاوشی از نمایندگان حامی این قانون در مصباحیه‌ای اعلام کرده است که صرف وجود صیغه‌نامه برای اثبات ازدواج با اتباع بیگانه تکفایت می‌کند، که این امر نوعی همسان دانستن ازدواج با اتباع بیگانه و شهروندان داخلی است که مغایر صریح ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی می‌باشند. اگر یک شهروند خارجی مطلع باشد که بدون داشتن مجوز ازدواج و به صرف یک برگ صیغه‌نامه می‌تواند پروانه اقامت اخذ کند و هم برای فرزندش شناسنامه اخذ نماید اصلاً به چه علت باید رغبتی برای انجام فرایند قانونی ازدواج با زنان ایرانی داشته باشد و چه موضوعیتی برای ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی باقی می‌ماند؟

گرچه طبق ماده ۱۷ قانونن ازدواج و ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی، ازدواج ایرانی‌ای تبعه خارجی که موردی است که هم منع قانونی ندارد، موکول به اجازه مخصوص از طرف دولت، به ترتیب ذکر شده است و بدون اجازه وزارت کشور، ثبت آن ممکن نیست، با وجود این، طبق قسمت اخیر ماده ۱۷ مزبور، در صورت عدم تحصیل اجازه و اقدام به ازدواج با زن ایرانی، مستوجب تحمل حبس تأدیبی از یک تا ۳ سال خواهد بود. ضمن آنکه، عدم ثبت واقعه نکاح طبق ماده ۶۴۵ قانون مجازات اسلامی جرم بوده و مستوجب مجازات مقرر در آن است. لذا در صورت مراجعه فرد برای اخذ شناسنامه برای فرزندش در حالیکه ازدواج خود را ثبت نکرده است عملاً دواپر دولتی با مراجعه یک مجرم مواجه هستند که باید حسب مقررات محاکمه شود.

در کنار این موضوع باید به این نکته نیز توجه کرد که در دنیای حقوق بین‌الملل در عصر فعلی تمرکز زیادی برای حل معضل افراد چند تابعیتی انجام شده است درحالیکه این اقدام مجدداً باعث پدیدایش فشر بزرگی ازاشخاص چند تابعیتی در داخل کشور می‌گردد که هنگام اشتغال و یا تصدی به برخی امور لشکری و کشوری ممکن است مشکلاتی را از حیث امنیت برای کشور ایجاد کنند ضمن اینکه در صلاحیت قضایی کشور نیز خدشه وارد شده و این امکان وجود دارد که با فرآ محرمین به کشورهای عراق و افغانستان عملاً ایران قادر به اعمال صلاحیت قضایی بر این شهروندان نباشد. شهروندان عراقی و افغانستانی ساکن ایران و فرزندان ایران هرگز افراد بدون تابعیت محسوب نمی‌گردند، این‌ها فقط احسب مقررات کشور خود، شهروند رسمی و دارای تابعیت محسوب می‌شوند و راه‌حل ساماندهی به مشکلات فرزندان آنان در ایران الزاماً به رسمیت شناختن ازدواج‌های غیرقانونی آنان و اعطای تابعیت مضاعف به فرزندان آنان نیست. به رسمیت شناختن ازدواج‌های غیرقانونی این افراد به طور قانونی باعث خروج همسران این‌اشخاص از تابعیت ایران و تبعات حقوقی، اجتماعی و مالی سنگینی برای کشور می‌گردد و اعطای تابعیت مضاعف به فرزندان این‌اشخاص نیز در آینده‌ای نزدیک و با ورود این افراد به دستگاه دیوان سالاری کشور باعث می‌شود تا مشکل محدودی که امروزه با عنوان مدیران دو تابعیتی در کشور وجود دارد، تبدیل را یک معضل قریب‌البعاید لاینحل شود که دهها هزار شهروند دوتابعیتی را درگیر خود کرده است. راه‌حل مناسب برای این معضل راهی میانه است که ضمن اعطای حقوق انسانی افراد در تحصیل و یافتن شغل شرافتمندانه، از ورود دائم به تابعیت ایران، ایجاد هرج و مرج در نظام بوروکراسی کشور جلوگیری بر عمل آورد. توجه به این نکته نیز ضروری است که فارغ از هرگونه تصمیمات احساسی و انتزاعی، هدف از هر گونه قانون‌گذاری در این زمینه باید روی این نکته متمرکز شود که شهروندان دارای تابعیت بیگانه پس از مدتی زندگی و اشتغال در ایران، ضمن توانمند شدن و یادگیری حرفه‌های مفید به کشور پذیری خود برگردند و ضمن خدمت به کشور خود، با تسهیلات سیاسی لازم بتوانند به سربلند برای دنیای با اقوم و پیشواان به ایران رفت و آمد نمایند، نه آنکه با تدابیری اشتباه زمینه را برای سکونت دائمی و به وجود آمدن معضلات فراوان مذهبی، اجتماعی و امنیتی به وجود بیاوریم.

که قبل یا بعد از تصویب این قانون متولد شده یا می‌شوند، قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام منقسمی به درخواست مادر ایرانی به تابعیت ایران در می‌آیند. فرزندان مذکور پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام منقسمی، در صورت عدم تقاضای مدار ایرانی می‌توانند تابعیت ایران را تقاضا کنند که در صورت نداشتن مشکل امنیتی (به تشخیص وزارت اطلاعات) به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند. پاسخ به استعلام امنیتی باید حداکثر ظرف مدت سه ماه انجام شود و نیروی انتظامی مکلف است نسبت به صدور پروانه اقامت برای پدر غیرایرانی اقدام کند.

تبصره ۱: در صورتی که پدر یا مادر متقاضی در قید حیات نبوده و یا در دسترس نباشند، در صورت تاهام در احراز نسب متقاضی، احراز نسب با دادگاه صالح می‌باشد. تبصره ۲: افسراد فاقد تابعیتی که خود یا حداقل یکی از والدین‌شان در ایران متولد شده باشند می‌توانند بعد از رسیدن به سنن ۱۸ سال تمام منقسمی تابعیت ایرانی را تقاضا کنند که در صورت نداشتن سوءپیشینه کیفری و نیز نداشتن مشکل امنیتی (به تشخیص وزارت اطلاعات) به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند.

این قانون که در اردیبهشت سال ۹۸ به تصویب مجلس رسیده

اجتماعی

Ejtmaae | kayhan.ir

صفحه ۸

سه‌شنبه ۲۸ خرداد ۱۳۹۸

۱۴ شوال ۱۴۴۰ - شماره ۲۲۲۱

فتدان حمایت اجتماعی از ازدواج زنان ایرانی با اتباع بیگانه در مناطق محروم

یک کارشناس مسائل فرهنگی بر حمایت اجتماعی از ازدواج زنان ایرانی با اتباع بیگانه در مناطق محروم و کم برخوردار تأکید کرد.

مجتبی نوروزی در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر درخصوص ایرادات لایحه اعطای تابعیت به فرزندان مادر ایرانی از ازدواج با مردان خارجی گفت: متأسفانه در این روزها دوستانی که به متن این لایحه انتقاد داشتند مورد حمله‌هایی با عنوان مخالفت با حقوق زنان، کودکان و مهاجرین مواجه شدند اما واقعیت این است که کسی با اعطای حق تابعیت به فرزندان دارای مادر ایرانی مخالف نیست، بلکه با نوع این متن که در کمیسیون قضایی نیز تغییر یافت، مخالف هستیم.

نوروزی افزود: برخی اصمرا دارند که این لایحه به برای حل مشکل افراد بدون تابعیت است این در حالی است که افراد مشمول این طرح بی‌تابعیت نبوده و تابعیت کشور پدر خود را دارند.

وی با بیان اینکه ظاهر این لایحه در حمایت از زنان است اما باطن آن مخالف این امر است، گفت: مواد ۱۰۹ و ۱۰۶۰ قانون مدنی مصوب ۱۳۱۰ یک ابزار حمایتی برای زنان ایرانی است که براساس آن حاکمیت را موظف می‌کند تا برای ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی با توجه به شرایطی اجازه ازدواج صادر کند، در صورتی که لایحه جدید این حمایت از زنان را لغو و بدون نیاز به هرگونه اجازه‌ای از حاکمیت، امکان ازدواج با زنان ایرانی را ممکن می‌کند. این موضوع زمانی نگران‌کننده است که در مناطق حاشیه‌نشین که اغلب با مشکلات اقتصادی روبه‌رو هستند، احتمال افزایش ازدواج‌ها ناآگاهانه و به دلیل مسائل اقتصادی افزایش یابد، چراکه براساس این لایحه مردان خارجی حتی با یک گمراهی ازدواج موقت می‌توانند برای فرزندان خود تابعیت گرفته و از امتیازات اقامت برای خود استفاده کنند. این امر موجب افزایش ازدواج غیررسمی دختران بی‌بیاضت ایرانی با مردان کشورهای همسایه و سوء استفاده از زنان خواهد شد.

این کارشناس فرهنگی با بیان اینکهاشکال دیگر این لایحه نحوه اثبات ادعاها هست، عنوان کرد: با تصویب این لایحه هر فردی می‌تواند ادعا کند که همسر ایرانی و چندین فرزند از وی دارد، این در حالی است‌که نحوه اثبات این ادعا طبق این لایحه روشن نیست مگر اینکه موضوع به دادگاه صالحه رفته و آنجا نیز به راحتی و تنها با دو شاهد مشخص می‌شود. در نتیجه بسیاری از مردان خارجی می‌توانند به راحتی برای فرزندان خود تابعیت و برای خود نیز اقامت دریافت کنند. در واقع با تصویب این لایحه با موجی از ادعاهای غیرقابل اثبات روبه‌رو خواهیم شد.

نوروزی افزود: خط آخر اصل ماده واحده این لایحه بر اعطای اقامت دائم به پدران این فرزندان‌اشاره دارد. هر چند که این موضوع حق درستی است اما بر این اساس ما به کسانی اقامت می‌دهیم که ناسون را در ورود اقامت و افزایش آنها است، این در حالی است که نکرده و سه عنوان غیرقانونی را که هر کدام جرمی مختص خود دارد انجام داده‌اند. در واقع با تصویب این طرح، کسانی که این رفتار غیرقانونی را انجام داده‌اند، تشویق کرده و به آنها امتیاز نیز می‌دهیم.

وی درخصوص‌اشکال دیگر این ماده که به اعطای تابعیت به فرزندان‌کی خود یا مادر آنها در ایران سکونت ندارند نیز توضیح داد: در مورد این موضوع مواد قانونی روشن است و ممکن است در مرحله اجرا دچار مشکل باشیم که با اصلاح جزئی قوانین قابل حل خواهد بود اما متأسفانه در حال تورم قانون هستیم. در قانون قبلی مسئله ولادت در ایران شرط بود اما براساس این قانون با شمار زیادی از ادعاهایی که شرط ولادت یا سکونت ندارند روبه‌رو خواهیم بود و سیستم قضایی باید پاسخگوی این ادعاها باشد. از سوی دیگر با توجه به این موضوع و افزایش ادعا‌های غیرقابل اثبات، کشور با مشکلات امنیتی روبه‌رو خواهد شد.

این کارشناس اداه داداشکال بزرگ دیگر به متن این لایحه، عدم جلوگیری از ادعاها و موارد امنیتی و اجتماعی‌غیرواقعی و افزایش آنها است، این در حالی است که قانون مدنی کسانی را که دو نسل در ایران متولد شده و در کشور ما زندگی کرده‌اند را قائل به این امر دانسته اما این قانون این شرایط را حذف می‌کند و به افراد بی‌تابعیتی که در ایران متولد شوند، تابعیت می‌دهد. جای تأسف است که در کمیسیون تخصصی حقوقی و قضایی مجلس تبصره ۲ که هیچ ارتباطی به اصل ماده واحده این لایحه ندارد به آن اضافه شده است.

نوروزی با بیان اینکه تصویب این لایحه می‌تواند موجب افزایش شمار افراد دو تابعیتی شود، افزود: در قوانین قبلی فر می‌توانست بعد از ۱۸ سالگی تابعیت ایران را دریافت کند و تا ۱۸ سالگی دارای اقامت دائم بود اما در این لایحه این حق حذف شده و افراد دچار معضل دو تابعیتی می‌شوند، در واقع نمی‌توان یک قانون را به نظام قانونی کشور متناسق است تصویب کرد، چرا که قوانین ایران موضوع دو تابعیتی بودن را قبول نداشتند و با آن مشکل دارد اما در صورت تصویب این لایحه، با جمعیت قابل توجه و غیرقابل ازبایی از افراد دو تابعیتی که با نظام حقوقی ما نیز سازگار نیست روبه‌رو خواهیم شد. وی با بیان اینکه این قانون موجب افزایش ازدواج ناآگاهانه زنان ایرانی با مردان خارجی خواهد شد، اظهار داشت: ما در اصل این نوع ازدواج‌ها مشکلی نداریم اما نگران اینجاست که آیا آموزش‌ها و حمایت‌های اجتماعی از افرادی که این ازدواج‌ها را انجام می‌دهند، شده است یا خیر. متأسفانه بسیاری از ازدواج‌ها در مناطق کم برخوردار کشور و به دلیل مشکلات مالی با مردان خارجی انجام می‌شود و تصویب این قانون به دلیل اعطای امتیازات زیادی به مردان خارجی موجب افزایش این نوع ازدواج‌ها خواهد شد. متأسفانه در مناطق حاشیه‌ای کشور این بحث حمایتی وجود ندارد و ما شاهد ازدواج‌هایی که شرایط انسانی را ندارد، خواهیم بود.

نقش نظام آموزشی در کنترل ناهنجاری‌های اجتماعی و پیشرفت کشور

انجام دهند، بی‌خرمی و نمی‌توانند تصویری روشن و بی‌نقص از مبنای اعتقادی مورد اشاره ارائه نمایند.

حوزه‌های علمیه، مرجع ارائه الگوهای اسلامی

حوزه‌های علمیه از دیگر مراجع آموزشی و تربیتی کشور است که تحولات نسبتاً خوبی در آن صورت گرفته، اما متأسفانه تاکنون موفق نشده و رسالت خود در این زمینه را به شکل کامل محقق سازد و پیش از آنکه تبدیل به مرکز تولید هرج و مرج در نظام آموزشی تون شود. این‌گونه است، به‌ویژه حوزه‌های علمیه که متأسفانه صدها ساله خود در تولید علم دینی، هنوز در نظریه‌پردازی و الگوسازی علمی و کاربردی که قابل تدریس در محیط‌های آموزشی و قابل بیابدمساز می‌شود، هنوز به‌ویژه در صورت مشارکت در امور مانند: تربیت معلمان و پرورش و به عبارت بهتر به علت عدم تخصص مؤثر روحانیون در مدارس (در قالب مشاور یا معلم پرورشی) هنوز رابطه منطقی و کامل بین جامعه و دین ایجاد نشده است.

نقش تربیتی مساجد و هیئت‌های مذهبی
همان‌گونه که اشاره شد، اگرچه نقش تربیتی مساجد و هیئت مذهبی نیز در تربیت نسل جوان قابل توجه بوده و جوانان زیادی جذب این محافل شده‌اند، اما در حد مورد توقع و انتظار پررنگ و اثرگذار نبوده و علی‌رغم تأکیدات مکرر رهبر معظم انقلاب اسلامی، محتوای معنوی و مطالب ارائه شده در این مراکز نیز، در مواردی با نیاز روز جامعه فاصله داشته و نه روز نبوده است.

آموزش در همه بخش‌ها به‌خصوص در مدارس که سطح رسمی شکل گرفتن مبانی فکری و تربیتی فرزندان این مزم و بوم به‌شمار می‌رود، جامعه و کشور را متأثر عواقب و پیامدهای به‌شدت زیانبار و خسارت‌آفرین خود خواهد کرد.

نقش تربیتی مساجد و هیئت‌های مذهبی
همان‌گونه که اشاره شد، اگرچه نقش تربیتی مساجد و هیئت مذهبی نیز در تربیت نسل جوان قابل توجه بوده و جوانان زیادی جذب این محافل شده‌اند، اما در حد مورد توقع و انتظار پررنگ و اثرگذار نبوده و علی‌رغم تأکیدات مکرر رهبر معظم انقلاب اسلامی، محتوای معنوی و مطالب ارائه شده در این مراکز نیز، در مواردی با نیاز روز جامعه و طالب ارائه شده و نه روز نبوده است.

آموزش در همه بخش‌ها به‌خصوص در مدارس که سطح رسمی شکل گرفتن مبانی فکری و تربیتی فرزندان این مزم و بوم به‌شمار می‌رود، جامعه و کشور را متأثر عواقب و پیامدهای به‌شدت زیانبار و خسارت‌آفرین خود خواهد کرد.

مطلوب صورت نگرفته است.

با این حساب ذکر چند نکته در مورد این مرحله بسیار ضروری است:

اول این‌که: نظام آموزشی ما هنوز نتوانسته است، تعامل لازم برای اتصال و ارتباط بین دین و دانش را به طور اثرگذار و مفید در محیط آموزشی و در متون آموزشی برقرار نماید. دوم این‌که: بخش قابل توجهی از مجریان نظام آموزشی کشور به‌خصوص در مدرسه و دانشگاه، با فاقد اطلاعات کافی در مورد مبانی دینی و اعتقادی هستند و یا اطلاعات آنها بسیار ضعیف است.



مهربان‌بیشتری برخوردار است. از آنجا که کار تعلیم و تربیت در این مرحله رسمیت پیدا می‌کند و از سوی دیگر ذهن کودکان و نوجوان نیز کاملاً آماده و مستعد یادگیری است، لذا بقول شاعر که می‌گوید: «خشت اول گرز نمعد نهد کج/ تا نریا می‌رود دیوار کج»، چنانچه در این مرحله نظام آموزشی مرتب کوچکترکنن خطایی خواهد رفت، آن با امکان پذیر نخواهد بود و با هزینه هنگفتی را به کشور و جامعه تحمیل خواهد نمود. برخی از اقدامات صورت گرفته در این بخش از جمله اهتمام به تغییر متون آموزشی مبتنی بر اصول و ارزش‌های اسلامی بستودنی است، اما به‌نظر می‌رسد، کار به علل مختلف به شکل

چهارم این‌که: متون درسی مدارس و همچنین دانشگاه‌ها اگرچه بعضاً به آیات و روایات اسلامی مزین شده است، اما هنوز فاقد محتوای اسلامی به معنای واقعی آن است و لذا تأثیر رفتاری آن تقریباً به شکل ملق بر متربین (دانش‌آموزان و دانشجویان)